

هنر درمانی راهکاری برای رسیدن به صلح جهانی

امیرحسین دبانتی سوها*^۱

۱. کارشناسی ارشد کارگردانی تئاتر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. چگونه هنر درمانی می‌تواند بینندگان را تشویق کند تا صلح را در

اولویت قرار دهند؟

۴. محدودیت‌های هنر در ترویج صلح چیست؟

هنر درمانی راهی برای پایان و پیشگیری از جنگ

شروع جنگ را به طور کلی می‌توان بروز یک بیماری روانی دانست که به واسطه تشدید استرس و اضطراب، ترس و نفرت، سوءظن و حسادت، منفعت طلبی و خودخواهی بروز می‌کند. بروز این رفتارها را می‌توان نشات گرفته از عقده‌های دوران کودکی و نوجوانی دانست که تحت تاثیر نیروهای سرکوب‌گر خانواده و جامعه، به نیروی مخرب و منفی در ناخودآگاه تبدیل شده‌است که در دوره جوانی و کسب قدرت و جایگاه، همانندی سلاح کشتار جمعی عمل می‌کند و افراد بیمار به دنبال انتقام گرفتن از جامعه هستند. حال جامعه‌ای را فرض می‌کنیم که مردم در سنین مختلف تحت تعلیم و آموزش ارزش‌های انسانی مانند: صداقت، احترام، همبستگی و عشق هستند. این مفاهیم که به وسیله هنر به نمایش در می‌آید؛ احساسات و منطق، ایمان مذهبی، کنجکاوی، علاقه، همذات‌پنداری با یک شخصیت یا یک گروه، خاطرات، افکار یا خلاقیت مخاطبان را برانگیخته می‌کند و در چالشی قرار می‌دهد که آنها را باید رد یا بپذیرند. درنهایت افراد تحت آموزش با نتیجه‌ای که حاصل عمل و انتخاب آنهاست روبرو می‌شوند، این فرآیند اهمیت رفتار و تصمیمات مردم را به آنها نشان می‌دهد و تاثیرات آن به طوری موثری در ناخودآگاهشان نهادینه می‌شود. به طور مثال در هند، بنیاد هنرهای مرغ دریایی، از طریق برنامه هنری «آثار صلح» به کاهش تعصب بین جوانان پاکستانی و هندی کمک کرده‌است. این برنامه بر «یادگیری زندگی با تفاوت»، کار با جوانان در منطقه متاثر از درگیری کشمیر تمرکز دارد. Peace Works جوانان کشمیری را به

در حالی که جهان پس از رویداد کرونا با گسترش موج منفی غم از دست دادن میلیون‌ها انسان همراه شد، خطر گسترش بیماری‌های روانی همچون افسردگی و خشونت پیش بینی می‌شود. از طرف دیگر با تغییر شکل روابط سیاسی جهان از جنگ‌های سرد و نرم به جنگ‌های سخت که با حمله روسیه به اوکراین آغاز شد، و نگرانی‌ها برای احتمال قریب الوقوع جنگ جهانی سوم شدت گرفت. مجموعه این عوامل در کنار مشکلاتی که از قیل‌گریبان گیر مردم بوده، همانند تضادهای طبقاتی ناشی از نظام سرمایه‌داری، تبعیض‌های جنسیتی و نژادی، استعمار و استثمار کشورهای ضعیف، مدت‌های طولانیست که زندگی مردم را مختل کرده و منجر به افزایش صدمات روانی شده است. عدم توجه به چگونگی حل مسئله جبران خسارات مالی و روانی، آینده سلامت روان جهان را تهدید می‌کند، به طوری که در بازه‌ای از زمان جنگ تنها گزینه اکثر مردم برای پایان بی‌عدالتی‌ها می‌شود. در این یادداشت سعی کرده‌ام تا با تمرکز بر تاثیر هنر درمانی، راهی را برای درمان بیماری‌های روانی و ایجاد آرامش و میل به صلح پیگیری کنم. نکته مهم در این موضوع رابطه دو طرفه صلح و درمان می‌باشد، یعنی اگر درمان انجام شود به صلح خواهیم رسید، یا اگر صلح باشد درمان خواهیم شد؟ فرضیه اول این نوشتار، در نظر دارد که اگر درمان موثر واقع شود، جهان به صلح خواهد رسید و فرضیه دوم بر این فرض استوار است که تمام آثار هنری به ذات تاثیر درمانی در خود دارند.

سوال‌های اساسی که در این یادداشت سعی خواهیم داشت به آنها پاسخ دهیم عبارتند از:

۱. چگونه هنر درمانی می‌تواند به پایان جنگ و پیشگیری از جنگ کمک کند؟

۲. آیا خلق اثر هنری می‌تواند تأثیری در میل به صلح داشته باشد؟

برای ایجاد ارتباط بین مردم استفاده می‌کند و به شرکت‌کنندگان اجازه می‌دهد تا غم و اندوه و فقدان را پردازش کنند و پل‌های آشتی را در جوامعی که به دلیل درگیری‌های اخیر یا جاری تقسیم شده‌اند، بسازند. همچنین هدف آن توانمندسازی نوازندگان به عنوان فعالان اجتماعی و آموزش جوانان محلی، از روستاهای دورافتاده است تا در جوامع خود تغییراتی ایجاد کنند و بهتر بتوانند خودشان را ابراز کنند. برنامه‌های آنها شامل فعالیت‌های موسیقی برای ایجاد آسایش و همبستگی برای پناهندگان جنگی و کشف اهمیت فرهنگی موسیقی است (Celia Chambelland, 2018). همچنین نمایشگاه‌ها و جنبش‌های خاص نشان داده‌اند که هنر تا چه حد می‌تواند صلح را ترویج کند. همانطور که دکتر کارول رانک، مدرس مرکز مطالعات صلح و آشتی در دانشگاه کانتبری اشاره کرد، بسیاری از نمایشگاه‌ها در طول تاریخ بر وحشت و ویرانی ناشی از جنگ متمرکز شده‌اند. بسیاری از هنرمندان مانند پیکاسو در اثر *گرنیکا* یا گویا در چاپ‌های ضدجنگش از تصاویر قدرتمند برای آشکار کردن روشی که جنگ زندگی‌ها را نابود می‌کند، استفاده کردند. خلق قطعات آخرالزمانی همواره در مورد جنگ‌های آینده هشدار می‌دهند که مسلماً این یکی از قوی‌ترین راه‌های درمان است که هنر برای ترویج صلح ارائه می‌دهد (Sally Writes, 2019). در تئاتر نیز *آرتو*، نظریه پرداز و کارگردان پیشرو تئاتر در قرن ۱۹، با ایده تئاتر شقاوت به سراغ نمایش دادن توحش و خشونت در صحنه نمایش رفت تا بدین صورت مخاطب را ملزم به رویارویی و مواجهه با خود کند. *آرتو* بر آن بود تا از طریق تئاتر به رفع افسردگی‌ها، خلأ و تنش‌های روحی - روانی مخاطب ناقل شود. نمایش خشونت از سوی اجراگران برای تماشاگران را می‌توان شبیه به همذات‌پنداری ساختاری در تئاتر درمانی دانست. همذات‌پنداری ساختاری همان نقطه‌ای است که در سایکو درام (تئاتر درمانی) به عنوان نقطه اوج شناخته می‌شود. مرحله‌ای که روان‌پزشک به بیمار تبدیل می‌شود. بر همین اساس در تئاتر مشقت، اجراگر به بیمار تبدیل می‌شود تا تماشاگر با دیدن بیماری خود درمان شود.

محدودیت‌های هنر درمانی

زمانی که تفاوت‌های ظریف هویت فرهنگی در نظر گرفته نشود، هر ابتکار درمانی و صلح‌سازی بی نتیجه می‌ماند چرا که اثربخشی درمان بیش از هر چیز در عوامل اجتماعی و فرهنگی است. پروژه‌های یکسان را نمی‌توان با تنظیماتی یکسان، در همه کشورهای اعمال کرد. محتوای هر اثر هنری با ورود به کشورهای مختلف ثابت نمی‌ماند و ممکن است توسط مردم یک شهر پذیرفته شود و از طرف مردمانی دیگر مورد مناقشه قرار بگیرد. خطر اصلی مقاومت در برابر تغییر و سو استفاده از پتانسیل فرهنگی و هنری جامعه سنتی برای حمله به فرهنگ و تفکر جدید است که در نتیجه باعث تحریک خشونت و تنش می‌شود. همچنین این نگرانی وجود دارد که تبدیل شدن هنر درمانی به جریان اصلی ترویج صلح، راهی را برای افزایش سطحی ادعاهای مشارکتی باز می‌کند که هدف آن فقط جذب سرمایه است. هنر درمانی نباید صرفاً تعریف کردن گل و بلبل آرمانشهر در میان ویرانشهر باشد، بلکه پیش از هر چیزی وظیفه دارد تا همین ویرانشهر را توصیف نماید و برای انسان، موقعیت و جایی که قرار دارد را تشریح کند؛ زیرا به تصویر

کلکته و دیگر شهرهای هند می‌آورد تا با همکاری نزدیک با کسانی که با آنها متفاوت هستند، دنیای متفاوتی را ببینند، احساس کنند، تجربه کنند و درک کنند. از طریق تئاتر، هنر، فیلم، عکاسی و ورزش، جوانان تشویق می‌شوند تا دیدگاه‌ها و برنامه‌های خود را برای پایان جنگ ایجاد کنند تا دریابند که صلح می‌تواند یک واقعیت باشد (Celia Chambelland, 2018).

خلق آثار هنری و رسیدن به صلح درون

خلق اثر هنری توسط انسان‌ها، آنها را با اهمیت خودآگاهی آشنا می‌کند، خودآگاهی نیز رابطه مستقیمی با صلح درونی دارد و از این حیث مهم است که به یک باور، اراده و اخلاق برسد. بودا می‌گوید: «صلح از درون می‌آید. با توجه به نمادهای رنگین کمان و باورهای چاکرا، بدن درونی را متعادل کنید و بدین صورت از درون خود آرامش، پذیرش و درک را پیدا کنید. تنها با یافتن آرامش درونی می‌توان پروانه نمادین دگردیسی را رها کرد که جلو می‌رود و بر تغییر تأثیر می‌گذارد. پس خودت را شفا بده و آن آرامش را به دنیا بیاور.» دلیلی وجود دارد که امروزه از خلق هنر به عنوان درمان برای بسیاری از گروه‌ها از جمله پناهندگان، قربانیان جنگ، کهنه سربازان، و بازماندگان جنگ مبتلا به PTSD استفاده می‌شود. ارزش هنر درمانی بسیار فراتر از زیبایی شناسی درک شده خود آثار است. حتی کسانی که قبلاً هرگز هنر خلق نکرده‌اند، می‌توانند بیاموزند که اشکال ساده انسانی، نمادهای صلح و حتی کارهای انتزاعی ترسیم کنند که می‌تواند مبنایی برای خودشناسی، بیان احساسات و مبنایی برای بحث درباره رویدادها و احساسات باشد. بدین طریق واکنش‌ها، گفتگوها، سوالات و پاسخ‌هایی به وجود می‌آید که همواره به خاطر راز جاودانگی هنر، هویتی زنده و پویا درون ذهن افراد خواهد داشت. از نظر *امانوئل کانت*، تجربه زیبایی‌شناختی زیبایی، قضاوتی درباره یک حقیقت ذهنی اما مشترک انسانی است. او استدلال می‌کند که همه مردم باید موافق باشند که گل رز زیباست، اگر واقعاً زیبا باشد (کانت، ۱۰۹، ۱۳۷۷). بنابراین زمانی که ما از مفهومی مانند صلح استفاده می‌کنیم، تصویر یکپارچه‌ای از عشق، دوستی و آرامش را در سراسر جهان متصور می‌شویم که مردم زیر سایه پرچم سفید رنگ آن، بدون هیچ برتری نسبت به یکدیگر اما در یک سیستم بهم پیوسته، در حال تلاش برای بهینه کردن هدف جمعی و بروز استعداد و توانایی‌هایشان هستند. کشوری را تصور کنید که در آن ایده‌ها تشویق می‌شوند، ارزش‌ها پذیرفته می‌شوند و تنوع تجلیل می‌شود. زنی را در بندری تصور کنید که مشعل آزادی را در دست دارد و توده‌های تاریک و درهم را که مشتاق نفس کشیدن هستند را روشن می‌کند.

هنر درمانی ابزاری قدرتمند برای دوستی بین جوامع

هنر درمانی ابزار قدرتمند برای آشتی جمعی بین جوامع است و به همان اندازه می‌تواند برای افراد برای غلبه بر هر آسیبی که به درگیری مرتبط است مفید باشد. در واقع ایجاد یک اثر هنری مشترک به برقراری ارتباط قوی بین شرکت‌کنندگان درگیر کمک می‌کند، و این فلسفه‌ای است که توسط ابتکار «موسیقیان بدون مرز»^۲ در کوزوو اتخاذ شده است. این ابتکار که در سال ۱۹۹۹ تأسیس شد، از قدرت موسیقی

پی‌نوشت**1 Posttraumatic stress disorder**

بروز اختلالات روان شناختی نظیر اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) می باشد.

2 Musicians Without Borders (MWB)

یک سازمان چتر است که با سازمان‌های محلی و نوازندگان برای ایجاد تغییرات اجتماعی و شرایط صلح‌آمیز و قابل زندگی در جوامع خود کار می‌کند.

۳ گرنیکا که بمباران دهکده گرنیکا در شمال این کشور توسط بمبافکن‌های آلمان نازی در ۲۶ آوریل ۱۹۳۷ و در خلال جنگ داخلی اسپانیا را به تصویر کشیده‌است.

۴ سیمای جنگ

۵ وحشت جنگ، قتل عام معصومین

منابع

ایمانوئل کانت (۱۳۷۷) نقد قوه حکم، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران: نشر نی.

Sally Writes (2019) global camping for peaceducatio, Promoting Peace Through Art.

Celia Chambelland (2018) peace insight, Art a miracle remedy for peace?

کشیدن آرمانشهر و دور کردن افراد از وضعیت ویرانشهری که در آن زندگی می‌کنند، هنر را به افیون تبدیل می‌کند. هنر نباید موجب فراموشی و خمودگی شود؛ بلکه باید تذکار و هوشیاری دهد. همچنین مهار کردن خشونت و هنردرمانی کار هر کسی نیست و نیازمند افرادی است که در این خصوص تجربه‌ها و دانش‌های کافی داشته باشند و برای چنین مأموریتی تربیت شده باشند.

نتیجه‌گیری

در طول تاریخ، تأثیرگذارترین هنرمندان جهان از جمله پیکاسو، دالی^۴ و روبنس^۵، تأثیرات وحشتناک جنگ را در هنر خود نشان دادند. به دور از جان بخشیدن به جنگ‌های گذشته، بسیاری از هنر به عنوان پیشگویی از درگیری‌های آینده و به عنوان فراخوانی از انسان‌ها برای مبارزه برای صلح استفاده کردند. بنابراین تشویق مردم برای شرکت در رویدادهای هنری و بحث در مورد آثار نمادین جنگ و صلح، می‌تواند افکار و عواطف برانگیخته شده مردم را پالایش و درمان کند. در اینصورت احساس همدلی انسانها تقویت می‌شود و قدرت الهام بخشی آنها افزوده می‌شود، به طوری که در برابر کسانی که تصمیماتشان عواقب مخربی دارد موضع می‌گیرند. بنابراین هنر خیلی بیشتر از ارضای زیبایی درونی ما انجام می‌دهد. این می‌تواند راهی برای تغییر درک ما از رابطه با دیگران و دنیای اطرافمان باشد. این یک راه باشکوه برای ترویج چیزی است که جهان بیشتر به آن نیاز دارد: صلح.